

Study of Instructors' Spiritual Factors in Medical Science Education by Emphasizing on Revealed Teachings

Zakavi A A^{1*}, Marzband R¹

1-Ali asghar Zakavi, Dept of
Islamic Thought, Faculty of
Medicine, Sari, Iran

Corresponding Author:
Ali asghar Zakavi, Dept of
Islamic Thought, Faculty of
Medicine, Mojtabae
Payambare Aazam, Kiloomeh
18 Jaddeh Darya, Sari, Iran

E-mail:
a.zakavi2009@gmail.com

Abstract

The education has been attention by scientists as the most important method to transfer the knowledge and skills to students. Quantitative and qualitative development in science, spatially in last centuries, has increased its importance. The spirituality can increase the affectivity, convenience in the process of education, psychological safety in students. The purpose of this article is to Study on theinstructor's spiritual factors in medical science education by emphasizing on revealed teachings.

This is a review article by the analytic method. In the way of the purpose, the necessary information has collected by study on Holy Qurân, the interpretational references and Hadith books. We searched in some data base as Sid, Noormags and magiran, on the base of some keywords like: medical science education, spirituality and Qurân. Then this information has documented and analyzed.

It became clear that the Monotheistic view to world and human are the most important spiritual base, by study on Qurân and Hadith. Some instructor's spiritual factors in medical science education are: possessing the good heart, spiritual view to science, attention to divine laws, the responsibility, absolute sincerity in education, humility in front of God and people, continued scientific try, to be update, considering to the educational laws and professional ethics.

The spiritual instructor has an especially attitude to science, education, students and medical science. He has the collection of Quran- spiritual factors that mentioned above, and arranged all of his behaviors according to Monotheistic view, Divine law and professional ethics. He tries to play his roles in the realm of education and training, better and more effective.

Keywords: medical science, education, spirituality, Qurân, instructor, factors.

Received: 9 Apr 2013

Revised: 11 May 2013

Accepted: 7 Jun 2013

J Religion & Health 2013; 1(1) :33-46.(Persian)





بررسی شاخص‌های مدرس معنویت گرا در آموزش علوم پزشکی با تأکید بر آموزه‌های وحیانی

علی اصغر زکوی^{۱*}، رحمت الله مرزبند^۱

چکیده

آموزش، همواره به عنوان مهم‌ترین روش انتقال دانش و مهارت به فرآگاهیان مورد توجه دانشمندان بوده است. گسترش کمی و کیفی دانش به خصوص در قرون اخیر، اهمیت مساله آموزش را دوچندان کرده است. معنویت گرایی می‌تواند باعث افزایش اثربخشی، سهولت در فرآیند یاددهی - یادگیری، و امیت رواقی در دانشجویان شود. هدف این مطالعه بررسی مهم‌ترین شاخص‌های معنویت گرایی مدرس در فرآیند آموزش پزشکی، با رویکرد وحیانی است.

این پژوهش از نوع مطالعه مروری بوده و از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است. بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه‌های چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن جست و جو در بانک‌های اطلاعاتی از قبیل NOORMAGS، SID، MAGIRAN صورت گرفت. سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با بررسی آموزه‌های قرآن و حدیث معلوم شد که نگاه توحیدی به جهان و انسان از مهم‌ترین مبانی معنویت گرایی هستند. برخی از شاخص‌های معنوی در یک مدرس علوم پزشکی، عبارتند از: برخورداری از قلب سلیمان، نگاه معنوی به علم، تکلیف گرایی، احساس مسئولیت، اخلاص در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، پاکی در گفتار، امانت داری، جهاد مستمر علمی، به روز بودن، احترام به مقررات آموزشی و اخلاقی حرفه‌ای.

مدرس معنویت گرا، نگاه ویژه‌ای به علم، آموزش، دانشجو، حرفة استادی و علوم پزشکی دارد. وی آراسته به مجموعه‌ای از مهم‌ترین شاخص‌های معنوی - قرآنی پیش گفته است، و تمام رفتارهای خود را در فضای آموزشی بر محور توحید، شریعت و اخلاق حرفه‌ای رقم می‌زند. و با این سرمایه معنوی - قرآنی می‌کوشد نقش خود را در عرصه آموزش و تربیت دانشجویان، بهتر و موثرتر به انجام برساند.

واژه‌های کلیدی: آموزش، علوم پزشکی، معنویت، قرآن، مدرس، شاخص‌ها

۱- گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

مؤلف مسئول: علی اصغر زکوی
گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری.

E-mail:
a.zakavi2009@gmail.com

دریافت: ۳۱ فروردین ۱۳۹۲
اصلاحات: ۱ خرداد ۱۳۹۲
پذیرش: ۲۶ خرداد ۱۳۹۲

مقدمه

معنویت گرایی: در آموزش پزشکی، بر نقش عوامل معنوی در فرآیند یاددهی - یادگیری در محیط آموزشی تأکید دارد. توجه به معنویت در آموزش پزشکی نیازمند برنامه ریزی دقیق است . برنامه آموزشی، منتقل کننده

امروزه گرایش به معنویت در عرصه های آموزشی به طور بسیار جدی مورد توجه قرار گرفته و باعث افزایش اثربخشی و سهولت در فرآیند یاددهی - یادگیری و نیز امنیت روانی در یادگیرندگان می‌شود(۱).



ترجمه‌های لاتین عهد جدید spiritualis یا شخص معنی، کسی است که زندگی اش تحت امر یا نفوذ روح القدس یا خداست (۵).

برخی (۶) معتقدند هنگامی با موضوعات معنوی روبرو می‌شویم که دچار حیرت می‌شویم در باره این که جهان از کجا آمده است، چرا ما اینجا هستیم، یا بعد از مرگ ما چه اتفاقی می‌افتد. هم چنین زمانی معنوی می‌شویم که با ارزش‌های مانند زیبایی، عشق، یا خلاقیت مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد معنا یا نیرویی فراتر از جهان محسوس را آشکار می‌کنند. یک ایده یا عمل "معنوی" است زمانی که تمایل شخصی ما را برای اثبات یک ارتباط احساسی (یا عاطفی ما را) با معنایی عمیق تر یا نیروهایی که بر جهان حاکم هستند، آشکار سازد.

از نظر برخی از صاحبنظران (۷) با کاهش عضویت ادیان نظام مند و رشد سکولاریزم در دنیای غرب، نگاه وسیعتری از معنویت گرایی ظهور کرده است اصطلاح معنویت گرایی در حال حاضر به طور مکرر در متونی بکار رفته است که پیشتر اصطلاح دین به کار می‌رفت. در ضمن، جریان جایگزین سازی، که با آغاز انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد اکنون به حوزه معنویت رسیده و در مواردی معنویت بریده از وحی، جانشین معنویت توحیدی شده است (۸).

کلمه معنویت مصدر جعلی از واژه "معنوی" ساخته شده است و از واژه "معنی" مشتق گردیده است. بنابر این معنوی، یعنی منسوب به "معنی" و در مقابل لفظی قرار دارد (۹). "معنی" امری است که در ورای الفاظ و عبارات قرار دارد؛ از این رو "معنا" به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دو لایه باشد : یکی ظاهر که حکایت گر است و دیگری باطن که محکی است (۱۰).

معنای زندگی نیز امری متعالی است که در قلمروی بیرون از فرایند عادی زندگی قرار دارد و زندگی، زمینه‌ای برای رسیدن به آن است. معنای زندگی برای هر شخص، مبتنی بر شناخت او از ماهیت هستی و جایگاه انسان و زندگی او در جهان است (۱۱).

معنویت، به معنای معناداری کل زندگی است نه فقط بخشی از آن. اولین شرط معنویت و زندگی معنادار آن است که فرد همه اعمال خود در زندگی را در راستای هدفی واحد تنظیم کند (۱۲)، به گونه‌ای که فقط یک هدف غایی برای او مطرح باشد و مطلوبیت سایر اهداف،

مفاهیم معنویت از طریق محتوا و برنامه آموزشی است و فراهم کننده زمینه نیل به سطوح بالاتر آگاهی و معنی دار کردن زندگی می‌باشد. برنامه آموزش معنوی تنها وسیله‌ای برای درک محتوای آموزشی نیست بلکه حرکتی فراتر از استدلال و شیوه‌های تحلیلی و اندیشه ورزی است که معمولاً در خلال آموزش صورت می‌گیرد (۲).

از آن جا که مدرس دانشگاه، نقشی کلیدی در سه حیطه: شناختی، عملی و عاطفی دارد و میزان آگاهی، تخصص و رفتار او در کیفیت این فرآیند بسیار موثر است نقش و رسالت او منحصر به فرد است . در آموزش مبتنی بر معنویت گرایی، مدرس تنها یک انتقال دهنده دانش‌ها و مهارت‌ها نیست بلکه الگویی با نفوذ و تاثیر گزار است که با بینش، اخلاق و عمل خود می‌تواند بر دانشجویان تاثیر بگذارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: هر که از روی ناآگاهی و عدم بصیرت عملی را انجام دهد، به مانند کسی است که در غیر راه مورد نظر، در حال حرکت است و هر چه سریع‌تر حرکت کند بیش تر از مقصدش دور می‌شود (۳).

هدف این پژوهش تعیین اصلی ترین شاخص‌های معنویت گرایی یک مدرس، بر مبنای آموزه‌های وحیانی است تا زمینه برای آراستگی هر چه بیشتر مدرسان آموزش پزشکی به این شاخص‌ها فراهم آمده، تاثیر خود را در کیفیت آموزش به منصه ظهور برساند.

برای دستیابی به هدف پژوهش، بعد از تعریف معنویت و بیان مبانی آن، شاخص‌های معنویت گرایی برای مدرس علوم پزشکی در دو محور بررسی شده است: حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها) و حیطه رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی).

این پژوهش از نوع مطالعه مروجی بوده و در آن از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است . بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری و حدیثی جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه هایی چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن جست و جوی لازم در بنک‌های اطلاعاتی از قبیل Noormags, Sid, Magiran انجام پذیرفت و سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تعريف معنویت: برای معنویت واژه spirituality به کار رفته است و از کلمه لاتین spiritus به معنی نفس، از ریشه spirare به معنی دمیدن یا نفس کشیدن می‌آید. در



طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است و جهان را دو ساحتی می‌بیند.

دوم. دو ساحتی دیدن انسان . در منطق قرآن، انسان، تعریف ارسطوی "حیوان ناطق" را بر نهی تابد زیرا بسیاری از حیوان راتقه‌ها، مانند چهارپایانند (۲۴). انسان دو بعدی است: بدن مادی و روح الهی (۲۵). روح، منشاء حیات ویژه‌ای است که فصل الخطاب حقیقت انسان است. انسان در تعریف قرآنی، عبارتست از حی متاله (زنده الهی). واقعیت حیات انسان، چیزی جز تاله و دلبختگی به جمال و جلال الهی نیست . تا آنجا که اگر حیات متالهانه فطری خویش را، زیرخاک های تیره جهل و عصیان مدفعون کند دیگر زنده نیست، مرده است (۲۳) اما مرده متحرک (۲۶).

مدرس معنویت گرا، بعد روحی انسان را اصیل دانسته، خود و دانشجویانش را جلو های از جمال حق و جانشین خدا در روی زمین (۲۷) می‌بیند و همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را به عنوان یک اصل در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

سوم. دو ساحتی دیدن حیات . حیات انسان دو معنا دارد: اول. حیات طبیعی، که همه جانداران از آن برخوردارند. دوم، "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد و حیات متالهانه انسان، به توحید اوست؛ اگر بینش توحیدی ، از او سلب شود در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان در می‌آید (۲۸).

خداآنده به پیامبر (ص) می‌فرماید: " تونمی تواني سخن خود را به گوش آنان که در گور خفت هاد برسانی" (۲۹). آنان که ایمان به توحید می‌آورند زندگان به حیات حقیقی؛ اما دیگران که در گورستان شرک و کفر و بی ایمانی افتاده اند، از حیات حقیقی بی بهر هاد (۳۰). علی(ع) عالم نمایان فرو رفته در شباهات و بدعت ها را مردگان در میان زنده‌گان دانسته است (۳۱). انسان و بلکه سراسر هستی، ماهیت از اویی و به سوی اویی داشته و حیات ابدی را در پیش رو دارد و خالق هستی راه سلامت انسان در مسیر حیات ابدیش را نیز نمایانده است :

خداآنده به برکت آن- قرآن-، کسانی را که از خشنودی او پیروی می‌کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند" (۳۲).

با توجه به این مبانی سه گانه ، معنویت یعنی شناخت و ایمان راستین به خدای متعال و تنظیم همه

مطلوبیتی غیری بوده، تنها به عنوان اهدافی متوسط و مقدمه مورد توجه و اراده وی قرار گیرند.

در آموزه‌های قرآن، ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۳)، او هدف غایی زندگی است، و دست یابی به عالی ترین مراتب "قب الهی" هدف اصلی آفرینش انسان دانسته شده است (۱۴) و رسیدن به این غایت یا معنا فقط از مسیر "عبدیت" امکان پذیر است (۱۵). در قرآن کریم از زبان ابراهیم(ع) آمده است: در حقیقت نماز و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است (۱۶). معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی چنین هدفی در زندگی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خدادست (۱۷).

۱. مبانی معنویت گرایی مبتنی بر وحی

تفاوت میان دو انسان معنویت گرا و مادی گرا را، باید در مبانی فکری و معرفتی آن‌ها؛ به خصوص نوع نگاه آنان به: جهان، خدا، انسان و حیات جست و جو کرد . مهمترین مولفه‌های معنویت گرایی در قرآن عبارتند از:

اول. دو ساحتی دیدن جهان . جهان، نه فرآورده خود به خودی طبیعت و ماده، که مخلوق خدادست که :

"آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آنهاست را آفرید" (۱۸).

اوست که جهان را از کتم عدم به روشنای هستی آورده است. نخستین شاخص معنویت گرایی، باور به این حقیقت است که جهان دو ساحت دارد : عالم شهود (طبیعت) و عالم غیب (ماوراء طبیعت)؛ ایمان به غیب، نخستین وصف متقین و نخستین شرط ه دایت یابی از قرآن کریم است (۱۹). قرآن از باطن عالم به "ملکوت" تعبیر می‌کند که آن را به ابراهیم (ع) نمایاند (۲۰). آنان که حواسشان به طبیعت و ماده عادت کرده است توانایی در ک عالم غیب را ندارند و به تعبیر قرآن از باطن جهان غافل‌اند (۲۱).

در نگاه معنوی به جهان هستی، طبیعت ریشه در ماوراء طبیعت دارد و فیلسوفان مسلمان با تبیین های عقلانی خویش و با الهام از معارف قرآن، جهان را دارای مراتب چهارگانه دانسته‌اند: عالم ماده، عالم مثال ، عالم عقل، عالم الله. عالم ماده، به "عالم ملک" و بقیه عالم به "عالم ملکوت " تعبیر شده اس ت (۲۳-۲۲). مدرس معنویت گرا، کسی است که خود را از حصار تنگ ماده و



"کتاب طبیعت"، که فعل خداست، بردارد باز هم علم اسلامی است؛ لذا در صدر و ساقه مراکز علمی (اعم از حوزه و دانشگاه) علم غیردینی وجود ندارد (۳۶). به تعبیر دیگر «علم، مادی و معنوی ندارد، ... و چشم باز انسان در حال حرکت است (۳۷). تمامی دانش‌ها، ابزار معرفت حق و شناخت اسماء حسنای الهی اند (۳۸). با این تعریف، هر علمی، علم دینی است و می‌تواند باعث رفعت مقام انسان گردد.

"علم طب هم، اگر نظر آیت و علامت به سوی آن ها داشته باشیم داخل در آیه محکمه هستند" (۳۹). قرآن کریم از آیات انفسی و آفاقی سخن گفته است (۴۰) و دانش پژوهشی و مدرس آن، می‌تواند دانشجو را به عظمت آفرینش و آفریننده آن رهنمون شود.

مدرس معنویت گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پژوهشی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشزد نماید تا طبابت را که با شریف‌ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالایند.

قدس دانستن هنر استادی. مدرس معنویت گرا به خوبی می‌داند که معلمی شغل انبیاست، و او بر کرسی مقدسی تکیه زده، و به نقش الگویی خود در دانشگاه و فضای آموزشی درمانی به خوبی واقف است. او تعلیم را از جمله بارز ترین مصادیق اancaق و احسان در حق دانشجویان می‌داند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه: و مما رزقناهم ينفقون، فرمود: يعني آموخته‌های علمی خود را می‌گسترانند (۴۱).

امام رضا (ع) فرمود: جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود زنده‌ای در فضا و ساکنان آسمان و زمین برای معلم و مدرسی که خیر را می‌آموزد استغفار می‌کنند (۴۲) و بی تردید آموزش دانش پژوهشی که با سلامت انسان به عنوان جانشین خدا در روی زمین سروکار دارد از بالاترین کارهای خیر و نیکوست . مدرس معنویت گرا به جایگاه طب نیز کاملاً آگاهی دارد که پیغمبر فرمود: علم بر دو نوع است علم ابدان و علم ادیان (۴۳-۴۴). بنا بر این می‌کوشد تا ضمن انتقال دانش و مهارت و تخصص، تفکر معنوی اش را در رفتار و آموزش خود، متجلی سازد تا دانشجویان به عنوان فرزندان معنوی او، آن‌ها را سر لوحه منش و روش خود قرار دهند.

رفتارها بر اساس آن، عالم را محضر خدا دیدن، در محضر او از معصیت پروا کرد ن؛ خیرخواه همه انسان‌ها بودن و به همه خوبان عالم مهرورزیدن.

۲. شاخص‌های معنویت گرایی استاد در حوزه آموزش پژوهشی

برخی از محققان (۳۲) برای مدرس و یاد دهنده، نقش‌های متعددی بر شمرده‌اند. اما مدرس معنویت گرا با تکیه بر مبانی پیش گفته، نگاه ویژه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد . وی برای ایفای نقش‌های خود، نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطه: الف. شناختی (اهداف، عقائد، ارزش‌ها) ب. رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی) است که در ادامه به معرفی مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است:

الف. حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها)

برخورداری از قلب سلیم . حیات معنوی قرآنی با کلید واژه "قلب سلیم" گره خورده است . با توجه به صفات و امور متنوعی که در قرآن به "قلب"، نسبت داده شده است از قبیل : درک کردن، اندیشیدن، ایمان و تقوا می‌توان دریافت که قلب، همان روح انسان یا یکی از ابعاد روح است (۳۳).

معنویت گرایی انسان، در گرو برخورداری از "قلب سلیم" است. قلب سلیم از آن کسی است که در حوزه شناخت، واقعیت‌های غیب جهان را بشناسد و به ایمان نائل گردد (۸). به تعبیر امام صادق (ع): قلب سلیم را کسی دارد که پروردگارش را ملاقات می‌کند در حالی که در دلش غیر خدا نیست (۳۴).

نگاه معنوی به علم، قرآن به تفکر در آسمان، زمین، نظم شگفت انگیز آن، خلقت انسان، به خصوص مطالعه در نفس و عوالم باطنی دعوت می‌کند و به این ترتیب به آموختن علوم طبیعی، ریاضی، فلسفی، فنون ادبی و بالاخره همه علومی دعوت می‌کند که تعلم آن‌ها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است؛ البته به این شرط که این علوم، جهان بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی است در بر داشته باشند و گر نه با جهل مرادف است (۳۵).

اگر پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت" که گفتار خداوند است علم اسلامی است هر علمی که پرده از اسرار



آداب تعلیم می‌نویسد: - مدرس و معلم- بر متعلم- و دانشجو- مهربان و مشفق باشد او را نصیحت‌های مشفقاته نماید و با نرمی و گشاده رویی با او سخن گوید (۴۶). عطوفت و مهربانی سبب می‌شود تا دانشجو مسائل و مشکلات تحصیلی و حتی عاطفی خود را با استاد در میان گذاشته و از او برای حل آن ها کمک بگیرد. این اتفاق مبارک زمانی تحقق می‌یابد که مدرس بتواند محبت دانشجو را به خود جلب نموده و زمان کافی برای شنیدن حرف‌های دانشجویان اختصاص دهد و آن را جزء وظایف استادی خود بداند . راه جلب محبت هم محبت کردن است. پیغمبر(ص) به عنوان معلم انسان‌ها از همین طریق توانست امر خطیر هدایت و تعلیم را به نتیجه برساند: "به- برکت- رحمت الهی، در برابر آنان- مردم- نرم- و مهربان- شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شندن" (۴۷).

ب. حیطه رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی)

تفکر معنوی مدرس باعث می‌شود تا وی انسان را ترکیبی از جسم و روح الهی دانسته، تزکیه معنوی و اخلاقی دانشجویان را نیز جزء وظایف اصلی خود بداند . او با این باور که تقوای الهی باعث می‌شود آموختن و آموزش برای انسان آسان‌تر و موثرتر گردد: "هر کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند" (۴۸)، هم خود در این زمینه می‌کوشد و هم فرآگیران را به آن فرا می‌خواند. یکی از رسالت‌های اصلی پیامبر(ص) تذهیب و تزکیه معنوی انسان است (۴۹) بنا بر این مدرس معنویت گرا با عنایت به این رسالت مهم ، در انتقال مفاهیم دینی و معنوی، با مطالعه آثار مرتبط، بهترین و موثرترین شیوه ها را به کار می‌بندد. وی ارتقاء علمی دانشجویان را جدای از تعالی معنوی آن‌ها ندانسته، در این راستا از هیچ تلاشی دریغ نی ورزد.

ب- ۱. حیطه اخلاقی

نیت الهی (اخلاص) در آموزش. نخستین ادب از آداب تعلیم آن است که معلم و مدرس قصد قربت داشته، و غرض او از درس گفتن، جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و مقصودش مجمع آرایی و خودنمایی نباشد بلکه منظور او به غیر از ارشاد و احیای دل‌های مرده و رسیدن به ثواب‌های پروردگار، دیگر چیزی نباشد (۴۶). اخلاص عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پرداختن

تكلیف گرایی. در تفکر معنوی ، کم فروشی حرام است. بنا بر این مدرس معنویت گرا در انتقال مفاهیم تخصصی خود، از هیچ تلاشی دریغ ن می‌ورزد و برای کسب در آمد حلال در قالب حقوق و مزایای ماهیانه، ورود و خروج در کلاس و بیمارستان های آموزشی را رعایت نموده، تاخیرها را با تلاش بیشتر جبران می‌کند. استاد معنویت گرا که قرار است وارث انبیاء و پل ارتباطی میان خدا و خلق باشد هیچ گاه به بهانه‌های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداخت ها، کم بودن تعریف‌های پژوهشی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده، در ایفای نقش و رسالت خود کوتاهی بی‌کند. وی تمامی صفات و رفتار‌های خود را بر اساس شریعت، سامان می‌دهد و سبک زندگی او برگرفته از آموزه‌های دینی است که در قالب عبادات، نیایش اصول اخلاقی در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قوانین و مقررات مختلف در عرصه‌های گوناگون، در قرآن و سنت بیان شده است.

کل نگری نسبت به شخصیت دانشجویان مدرس بر خوردار از معنویت قرآنی، خود را مسئول ارتقاء و رشد همه جانبی شخصیت دانشجویان دانسته شعار او این نیست که : مرا با اخلاق و باورهای دینی و رفتار های دانشجو چه کار، این ها به عهده نهاد های فرهنگی است؟! او می‌داند که معیار انسان کامل، تعالی و رشد او در سه حوزه علم، ایمان و عمل صالح است (۸) و نباید ابعاد شناختی، مهارتی و اخلاقی دانشجویان را مستقل از هم تلقی کرد امام کاظم(ع) فرمود: "علم انسان‌ها را در چهار چیز یافتیم: اول این که به خدا معرفت داشته باشی؛ دوم بدانی که خدا چگونه با تو رفتار می کند؛ سوم آن که بدانی خدا از تو چه انتظاری دارد و چهارم آن که بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می‌کند" (۴۵).

احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی

مدرس معنویت گرا، دانشجویان را نه به عنوان منابع در آمد خویش، بلکه به چشم فرزندان خود می‌بیند. همان طور که برای افت تحصیلی فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کند و از رشد آنان مسرور می‌شود همین رفتار را با دانشجویان خود دارد . برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دانشجویان وقت می‌گذارد، فکر می‌کند و راه حل می‌دهد. مولف معراج السعاده در باب



لندر فرصت‌های مناسب و به جا از آن‌ها استفاده نموده، فضای آموزشی را معنوی نماید.

تواضع در برابر خلق. به تعبیر علی (ع) رأس علم، تواضع و فروتنی است (۵۵، ۵۶). "هر که در مقابل متعلم و دانشجو فروتنی نشان دهد و در مقابل عالمان و دانشمندان خود را پایین آورد به سبب علمش، آقا یی و سیادت می‌نماید" (۵۷). زیرا "میوه و نتیجه تواضع، محبت است" (۵۸). علم همراه با تزکیه نفس، راهنمای انسان در قلمرو نظر و عمل و معیار انسانیت به شمار می‌آید (۸) اما علمی که همراه با تزکیه نباشد حتی علم توحید هم حجاب اکبر است، لذا برخی از نویسندهای از "قبله نمای بهره وری از علم" نیز سخن گفته‌اند (۵۹). استاد معنوی همواره تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می‌دهد.

سلام کردن. از نشانه‌های اولیه تواضع، ابتداء کردن

به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است. این رفتار، رابطه را دوستانه و صمیمانه ساخته، تاثیر الگویی استاد را دوچندان می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هر کس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدھی و دوست نداشته باشی که مدخلت را گویند" (۶۰-۶۱).

به عنوان مثال، رفتار اخلاقی با بیمار در آموزش‌های بالینی، برای استاد معنویت گرا تعریف شده است، ریز برنامه خود در بالین بیمار را از اول تا آخر طراحی کرده است: سلام، احوالپرسی، خوشبودی، ارتباط کلامی - حرکتی، امیدوار کردن بیمار، توجه دادن به شفابخش بودن خداوند، وسیله بودن خود و داروها، رعایت محرم و نامحرم، خداحافظی و آرزوی بهبودی کردن . نتیجه رعایت این اصول، انتقال تعهد و تخصص هم‌زمان به فراغیران است **امانتداری**. بزرگترین امانت، جوانانی هستند که در کسوت دانشجو در اختیار استاد قرار گرفته‌اند و از جمله واجبات دینی حفظ امانت است (۶۲). امانت‌هایی که رسالت سنگین ارتقاء علمی و معنوی آن‌ها به مدرس واگذار شده است . مدرس معنویت گرا دانش، مهارت و اخلاق درست را با مهربانی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد تا علم و ایمان، مایه حیات معنوی دانشجویان گردد، زیرا احیاء یک فرد برابر با احیاء همه انسان‌هاست و پاداش این

نیت از ماسوی الله (۵۰). به همین دلیل است که در قرآن کریم و روایات تاکید زیادی براین شده است . قرآن کریم می‌فرماید: "پس خدا را پرستش کن و دین خود را برابر او خالص گردان آگاه باشید" که دین خالص از آن خداست." (۵۱). مدرسی که همه فعالیت‌های حرفه‌ای آموزشی- درمانی را "عبدات" تلقی می‌کند به خوبی می‌داند که هر فعالیتی برای رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژه تعلیم و تعلم، از برترین عبادت هاست. دانش، به خوبی می‌تواند این نقش عبادی را ایفا نماید با چهار کار کرد : افزایش معرفت انسان نسبت به خدا، تعالی بخشیدن به جامعه اسلامی و اعتلالی کلمه الله، هدایت بخشی به دیگران؛ حل مسائل جوامع بشری و مسلمانان (۵۲).

هر دانشی با این چهار رویکرد، علم مفید است و با این معیار، همه علوم می‌توانند وسیله تقریب معنوی به خداوند باشند هم علوم خاص دینی و هم علوم طبیعی؛ در غیر این صورت، چنین علمی مترادف با جهل خواهد بود (۵۳). در روایات علوم مفید، مایه حیات و زندگی؛ گنج پایان ناپذیر، مایه رهایی و نجات (۵۴) و چراغ راه معرفی شده است. مدرس معنویت گرا، این نگاه معنوی را به شیوه‌ای درست به دانشجویان منتقل می‌کند تا به حرفة پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که عبادت تلقی می‌شود.

استاد معنویت گرا به تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص‌های و "کدهای اخلاقی" زیر دنبال می‌کند:

آغاز کردن فعالیت آموزشی با نام خدا . استاد

معنویت گرا آموزش را با نام خدا به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحيم" آغاز نموده، و به برکت آن محیط آموزشی را معطر به عطر معنویت می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود: "سرآغاز علم، شناخت خداوند و سرانجام آن، واگذاری امور به اوست". بکار بردن به موقع از عبلراتی همچون ان شا الله یا اگر خدا بخواهد، یا به امید خدا، و ... تعبیری که بار معنوی دارد می‌تواند در ایجاد فضای معنوی در کلاس کمک کند. همان طور که آشنایی مدرس با قرآن و حدیث، زمینه را فراهم می‌سازد

کز اقبال خلق است او را نصیب (۶۸).

پرهیز از سخنان و عبارات نامناسب با شان

استادی- دانشجویی بکار بردن کلمات نامناسب، به خصوص در زمان غلبه هیجان عصبانیت و خشم، هم تاثیرگزاری مدرس را کاهش داده، و هم در فرآیند یاد دهی، به خصوص انتقال مفاهیم معنوی و اخلاقی به شدت تاثیر منفی می‌گارد. "ای کسانی که ایمان آورده‌ای توکای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید" (۶۹). در حدیث است که : "اسلحه انسان‌های پست و فروماهی، کلام زشت است" (۷۰).

مدرس معنویت گرا، در سخن گفتن، عفت و پاکی را رعایت و از تعابیر محترمانه استفاده می‌کند (۷۱)، از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر اساتید گ ریزان است. علی(ع) فرمود: بدترین کارها، رضایت از خویشتن- خود پسندی- است (۷۲). رعایت این اصول به ظاهر ساده اخلاقی، اعتماد دانشجو را جلب کرده، تاثیرگزاری مدرس را هم در انتقال مفاهیم علمی و هم اخلاقی مضاعف می‌گردد.

ب-۲. حیطه عبادی

تواضع در برابر خالق مدرس معنویت گرا می‌داند که: «تنها، دانشمندان از بندگان خدا، نسبت به او خشیت دارند» (۷۳). «خشیت» به عنوان نتیجه علم حقیقی، از صفات بر جسته مومنان معرفی شده است (۷۴). علی(ع) فرمود: کسی که نسبت به خدای متعال خشیت دارد علمش کامل است (۷۵). خشیت یعنی ترس آمیخته با رجاء، حالتی است که عبد را در مقام عبودیت نگه می‌دارد، و از عذاب معبدش، نه ایمن می‌شود و نه نالیید (۷۶). خشیت، نتیجه آگاهی فرد از عظمت و بزرگی طرف مقابل است که باعث می‌شود فرد، آگاهانه، ادب حضور نگاه دارد و در عین حال از انس با او لذت ببرد. مدرس معنویت گرا با بیان شگفتی‌های خلقت انسان، مرتبط با رشته تخصصی خود، همواره دانشجویان را به عظمت آفریننده رهنمون می‌سازد و آن‌ها را به تواضع و فروتنی در برابر تعالیم الهی فرا می‌خواند. به تعبیر علی(ع)، علم مایه حیات است (۷۷) و نتیجه آن اطاعت از خدا (۷۸-۷۹).

جهاد حیات بخش را فقط خدا می‌داند؛ در غیر این صورت کار او قتل نفس خواهد بود نه احیای آن (۶۳). او در ارائه اطلاعات علمی خود، بخل نهی ورزد. نراقی می‌نویسد: ادب سوم آن که چون او را سزاوار عل می‌داند مضایقه نکند و ضنت (دریغ) و بخل نورزد (۶۴). کتمان دانش در قرآن نیز به شدت مورد مزمت قرار گرفته است (۶۵).

جهاد علمی. استاد معنویت گرا در حوزه تخصص خود، همواره "به روز" است و جهاد علمی مستمر، در دستور کار او قرار دارد. جدیدترین دست آوردهای علمی و تکنیک‌های تشخیص و درمان را در اختیار دانشجویان، رزیدنت‌ها و دستیاران قرار می‌دهد. پیامبر(ص) نیز که خود متصل به خزانه علم الهی است از خداوند می‌خواهد بر دانش و علمش بیافزاید (۶۶). و امام حسن (ع) فرمود: به دیگران علم خود را بیاموز، و علوم دیگران را نیز فرا بگیر تا دانش خود را محکم نموده، به آن چه نمی‌دانستی آگاه شوی (۶۷). از آن جا که هر روز با دست آورهای جدید در عرصه‌های مختلف دانش پزشکی مواجهیم استاد معنویت گرا وظیفه خود می‌داند تا به جدید ترین دانش‌ها و مهارت‌ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فرا بخواند. علی(ع) می‌فرماید: بر کسی طبابت می‌کند لازم است تقوای پیشه سازد، نصیحت و موظمه بپذیرد و جهاد (مستمر علمی) داشته باشد (۶۸).

ز فرموده پیشوایان دین

توان یافت دستور کاری چنین

کسی کو پزشکی کند انتخاب

بباید کند سعی در پنج باب

نخست آن که در "طب بکوشد" همی

نیاساید از کسب دانش دمی

دوم آن که با "بینش راستین"

کند با "عمل" "علم" خود را قرین

سوم آن که در طی این دو مقام

"جهدی" کند مستمر و مدام

چهارم به خود باشدش اعتقاد

بهر آن چه گوید کند اعتماد

به پایان "ز تقوی" دمی نگذرد

"خدا را" هماره به یاد آورد

کسی را چنین گفت بتوان طبیب



مولف معراج السعاده از شرایط حاکم بر فضای آموزشی عصر خویش می‌نالد که: کسی معرفت با اهل این زمان داشته باشد، می‌داند که آداب تعلیم و تعلم، مثل سایر اوصاف کمالیه، مهجور و معلم و متعلم از ملاحظه شرایط دورند. زمان و اهل آن فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد (بی رونق) گشته، نه نیت معلم خالص است و نه قصد متعلم ... و از این جهت است که از هزار نفر یکی رتبه کمال حاصل نمی‌شود (۸۶).

امید آن که با گسترش شخص‌های معنویت گرایی و اخلاق در آموزش پزشکی، که دانش آموختگان آن با جسم و روح اشرف مخلوقات سرو کار دارند، فضاهای آموزشی به چنین آفاتی دچار نشود.

بحث و برسی: معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی مقام قرب الهی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خداست (۱۷). تفاوت میان دو انسان معنویت گرا و مادی گرا را در نوع نگاه آنان به جهان، خدا، انسان و حیات، باید جست و جو کرد . مدرس معنویت گرا با نگاه معنوی به جهان هستی، خود را از حصار تنگ ماد و طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است. وی بعد روحی انسان را اصیل دانسته، همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. در نگاه او حیات انسان هم دو سطح دارد : "حیات طبیعی" و "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد. حیات متالهانه انسان، به نگرش توحیدی او به جهان و انسان وابسته است؛ اگر این نگرش از او سلب شود، در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان درمی‌آید (۲۸).

مدرس معنویت گرا نگاه ویژه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفة استنادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد . وی برای ایفای نقش خود، نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطه: شناختی (اهداف، عقائد، ارزش‌ها) و رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی) است:

الف. حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها)

معنوی داشتن به علم، یکی از اصلی ترین شاخص‌هاست. همان پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت" علم اسلامی است و هم گشودن اسرار "کتاب طبیعت" (۳۶). مدرس معنویت گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند

استاد معنویت گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می‌دهد. به تعبیر علی (ع)، ثمره علم حقیقی اطاعت و بندگی خداست (۸۰). علی بن الحسین (ع) فرمود: کسی که به آن چه خداوند بر او واجب نموده، عمل نماید بهترین انسان هاست (۸۱). مدرس معنویت گرا با شنیدن حی علی الصلوہ، خود را آماده دیدار با معبد می‌کند و این فریضه الهی را هم در عمل و هم در گفتار به دانشجویان خود گوشزد می‌کند. علم، آن باشد که بشناسی به وی لطف و فیض قادر و قیوم و حی (۸۲).

ب-۳. حیطه فقهی و شرعی

مدرس معنویت گرا می‌کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشزد نموده، آنان را به رعایت حلال و حرام و احترام به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید . و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا می‌کند. مانند رعایت احکام شرعی در اتاق تشریح، توجه دادن دانشجویان به این احکام، رعایت محروم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش های بالینی، رعایت احکام شرعی در اتاق احیاء و در یک جمله رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزش علوم پایه و بالینی. طبیبی که باشد و را زرد روی از او داروی سرخ رویی مجوی (۸۳).

علی (ع) فرمود: من شما را به هیچ طاعتی بر نیانگیختم مگر آن که در آن از شما سبقت گرفتم و از هیچ معصیتی شما را نهی نکردم مگر آن که قبیل از شما از آن دوری جسته ام (۸۴). امام صادق (ع) فرمود: هر گاه عالمی به علم خویش عمل نکند مواعظ او از دل ها زدوده می‌شود همان طور که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد (۸۵).

قانون گرایی.

مدرس معنویت گرا در انجام نقش آموزشی، پژوهشی و درمانی خویش همه قوانین را حتی الامکان رعایت می‌کند. احترام به قانون با تفکر معنوی او عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز بود. بنا براین قانون گرایی و رعایت مقررات آموزشی در فضای آموزشی و درمانی را در رفتار روزمره او می‌توان بهوضوح مشاهده کرد.

به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است . پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هر کس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدھی" (۴۶).

سلام، احوالپرسی، خوشروی، ارتباط کلا می-

حرکتی، امیدوار کردن بیمار، توجه دادن به شفابخش بودن خداوند- وسیله دانستن خود و داروهای رعایت محرم و نامحرم، خدا حافظی و آرزوی بهبودی کردن برای بیمار، سیره عملی مدرس معنویت گراست و نتیجه آن انتقال تعهد و تخصص به فراگیران است.

وی وظیفه خود می‌داند تا در یک جهاد علمی مستمر، جدید ترین دانش‌ها و مهارت‌ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فراخواند .

مدرس معنویت گرا، در سخن گفتمن عفت و پاکی را رعایت می‌کند از تعبیر محترمانه استفاده می‌کند؛ از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر استادی و همکاران به شدت پرهیز می‌کند.

در حیطه رفتاری - عبادی، استاد معنویت گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می‌دهد و این فریضه الهی را یا در عمل و یا در گفتار به دانشجویان خود گوشتزد می‌کند.

در حیطه رفتاری- فقهی، می‌کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشتزد نموده، آنان را به احترام نسبت به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کند . مانند رعایت احکام شرعی در اتاق تشریح، توجه دادن

دانشجویان به این احکام، رعایت محرم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش های بالینی، رعایت احکام شرعی در اتاق احیاء و رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزشی.

احترام به قانون در عرصه آموزش، پژوهش و درمان با تفکر معنوی مدرس معنویت گرا عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز نمی‌داند.

نتیجه گیری

تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پزشکی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشتزد نماید تا طبابت را که با شریف‌ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالایند.

مدرس معنویت گرا، تکلیف گراست و هیچ گاه به بهانه‌های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداختها، کم بودن تعریفهای پزشکی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده ، در ایفای نقش و رسالت خود کوتاهی ن می‌کند. وی دانشجویان را به چشم فرزندان خود می‌بیند و برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دانشجویان وقت می‌گذارد، فکر می‌کند، راه حل می‌دهد.

ب. در حیطه رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی). در حیطه رفتاری- اخلاقی، نیت الهی (اخلاص) در آموزش، نخستین ادب از آداب تعلیم است. هدف مدرس از آموزش جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و خودنمایی نیست . او همه فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی- درمانی را "عبادت" تلقی می‌کند و به خوبی می‌داند که هر فعالیتی برای

رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژه تعلیم و تعلم، از برترین

عبادت‌هاست. مدرس معنویت گرا، این نگاه معنوی را به شیوه‌ای درست به دانشجویان منتقل می‌کند تا به حرفة پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که از سخن عبادت و خدمت به خلق نگاه کند.

مدرس معنویت گرا با وضو وارد عرصه آموزش شود .

چه این که طهارت باطنی و شادابی حاصل از وضعه تاثیرات قابل توجهی بر روح و روان مدرس و دانشجویان خواهد گذاشت و در تامین اخلاص در نیت موثر خواهد افتاد. پیغمبر(ص) فرمود: اگر توانستی در تمامی حالات شب و روز با طهارت باشی، چنین کن؛ زیرا اگر در این حال از دنیا بروی شهید خواهی بود(۴).

مدرس معنویت گرا به تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص‌های و کدهای اخلاقی زیر دنبال می‌کند:

او فعالیت آموزشی خود را با "نام خدا" به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحيم" آغاز می‌کند. تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می‌دهد و از نشانه‌های اولیه تواضع، ابتدا کردن





دانشجو، کلام، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق حرفه‌ای، مقررات آموزشی و غیره دارد . و آراسته به مجموعه‌ای از شاخص‌های است که عبارتند از:

الف. حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها). برخورداری از قلب سلیمانی، نگاه معنوی به علم، مقدس دانستن هنر استادی، تکلیف گرایی، احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی؛ ب. حیطه رفتاری(اخلاقی، عبادی، فقهی)؛ نیت الهی (الخلاص) در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، آغاز کردن فعالیت آموزشی با نام خدا، پاکی در گفتار، امانتداری ، جهاد علمی مستمر، به روز بودن، تنظیم رفتارهای آموزشی خود با شریعت و اخلاق حرفه‌ای، و قانون گرایی.

مدرس معنویت گرا، دانش پزشکی و آموزش آن را امری مقدس تلقی نموده، هم ارتقاء علمی و هم معنوی دانشجویان را رسالت الهی می‌بیند، او به جهت پایبندی به شریعت و ملاحظه نظارت الهی بر اندیشه و رفتار خویش، به نقش الگویی خود به خوبی واقف است و تلاش می‌کند نقش خود را در عرصه آموزش بهتر و موثر تر به انجام رساند و الگوی مناسبی در عرصه آموزش، پژوهش و اخلاق حرفه‌ای برای فراغیران باشد.

برخورداری از نگرش مثبت و توحیدی به جهان، انسان، حیات، مهم ترین شاخص‌های معنویت گرایی در "حوزه آگاهی و بینش " است و سبک زندگی و رفتار مطابق با توحید و عمل بر مبنای شریعت ، شاخص‌های معنویت گرایی در "حوزه رفتار". سلامت معنوی انسان نیز تنها در پیروی از نسخه شفابخش الهی، قرآن کریم(۸۷) و اقتدا به طبیب جان آدمیان حضرت ختمی مرتب(ص) تحقق می‌یابد(۸۸).

نشانه معنویت گرایی، آراسته شدن ک مدرس به همه خوبیها، پیراسته شدن از کمزیها و ناراستی ها، اتصاف به صفات جلال و جمال الهی، دستیابی به حیات حسن در دنیا و زندگی حسن در آخرت(۸۹). معنویتی که قرآن ارائه می‌کند معنا دهنده به همه ابعاد زندگی، تاثیرگذار، امیدبخش، شورانگیز، مسئولیت آفرین، و جاری در همه ابعاد وجودی انسان می‌باشد. این معنویت انسان و جامعه را به توسعه همه جانبیه فرا خوانده، دین و دانش، عقل و عشق، جسم و روح، دنیا و آخرت را قرین هم ساخته، خط بطلانی بر تمامی معنویت‌های مونتاژ شده، بریده از وحی و سکولار عصر حاضر می‌کشد(۹۰).

مدرس معنویت گرا، با تکیه بر نگاه معنوی- قرآنی به جهان، انسان و زندگی، نگاه ویژه‌ای به آموزش،

References

1. Faramarz Qaramaleki A, An Abstracts of 3rd conference on Medical Ethics, Moral in Education. 2013; 78-79 (Persian).
2. Miller J P, The Education and soul, to a spiritual termic curriculum, Trans: Qourchian, first publication, Nashre Farashenakhty Andisheh, Tehran. 2002; 48(Persian).
3. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiji Javad Mustafavi, Nour publication Institution, Tehran, no date, v 3:26; v 1:48(Persian).
4. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Daftare Nashre Maaref, Qom. 2005; 43 (Persian).
5. Wolf D M, Psychology and religion, Trans: Mohammad Dehghani, Roshd Press, Tehran, 2008: 38(Persian).
- 6- Fuller, Robert C. Spiritual, but Not Religious. Beliefnet.com. Retrieved on 2011; 12-03
- 7- Gorsuch R. L & Miller, W. R. Assessing spirituality. In W. R. Miller (Ed), Integrating spirituality into Treatment, Washington, DC: American Psychological Association. 1999; 47-64.
8. Zakavi A A, The criteria of humanity in the Quran based on Tafsir al-Mizan, Afaqe Din Journal, Tehran, Allameh Tabatabaie University. N5, 2012; 59-83 (Persian).
9. Ibn e Monzour, Lesan al-Arab, Adab Va Howzeh Press. 1970(Arabic).
10. Farhangestane Jomhourye Islami, a research in spiritual health, Majmooeh Maqalat of an Introduction on spiritual health, 2000; 43 (Persian).
- 11- Hick J, the religious Meaning of life, In Joseph Runzo and Nancy M, Martin (Eds), the Meaning of life in the world Religions, 2000; 269- 286.
12. Soleymani A, asqari,KHoda va Maanaye Zendegi, Naghd Va Nazar journal, 2000; 30-31: 95-142(Persian).

13. Holy Qur'an, Trans: Naser Makarem Shirazi, Qom, Sarmayeh press. Baqara: 156.
14. Ibid. Zaryat: 56.
15. Ibid. Towbeh: 31.
16. Ibid, Anaam: 162
17. Marzband R, Zakavi A, The factors of spiritual health in Islamic revealed teachings, Medical Ethics journal, Tehran, Shaheed Beheshty University. 6, N 20, 2013; 70-99.
18. Holy Qur'an, Sajdeh:4.
19. Ibid. Baqara: 2.
20. Ibid. Anaam: 75.
21. Ibid. Roum: 7.
22. Ibid. Aaraf: 185; Forqan: 44.
23. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Asraa Center Press, Qom, 2006; 150-165(Persian).
24. Holy Qur'an, Aaraf: 179; Forqan: 44.
25. Ibid. Hejr: 29; Saad: 72
26. Ibid. Yaseen: 70
27. Ibid. Baqara: 30
28. Javady A, Zendegye Haqiqye Ensan Dar Qurane Karyem, Tafseere Mouzooie Qur'an, , Qom, Asraa Center press. 2009; V 15:15-17; 54-58 (Persian).
29. Holy Qur'an, Farer: 22.
30. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press, Khotbeh. 2005; 87(Persian).
31. Holy Qur'an, Maedeh: 15.
32. BehPajoooh A, Aduation Workshop on Tarrahie Tajrobehaye yadgeeri va yaddehie Asarbakhsh, Tehran University. 2011 (Persian).
33. Mesbah M T, Akhlaq dar Quran, Tehran, Amir Kabeer Press. 1995; V 3, 201-218 (Persian).
34. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Sejjed Javad Mustafavi, Tehran, Nour publication Institution. No date; v 3:26 (Persian).
35. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Daftare Intesharate Islami press. 2012; V 17:941 (Persian).
36. Javady A, Sourat va Seerate Insan dar Qur'an, Tafseere mouzouie Qur'an, Qom, Asraa Center Press. 2005; V14:36-37 (Persian).
37. Khameneie S A, Sayehsare welayat, Qom, Maaref Press. 2005; V2:150 (Persian).
38. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 223 (Persian).
39. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution. 2000; 369 (Persian).
40. Holy Qur'an, Zaryat: 20-21.
41. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Al- aalam al-Islami press, Tehran. 2002; V6: 469 (Arabic).
42. Ibid. 473.
43. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 49 (Persian)
44. Ibne shoaabeh Harrani A M, Tohaf al-ughoul an Al- rasoul, Trans: Ahmad Jannati, Tehran, Elmieh Islamiieh press. no date: 229(Persian)
45. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiah press. 1956; V 1: 203 (Arabic).
46. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005: 105-106(Persian).
47. Holy Qur'an, Alleomra: 159.
48. Ibid. Talaq: 2.
49. Ibid. Jomeh: 2; Baqara: 129.
50. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiah press. 1956; V 1: 610(Arabic).
51. Holy Qur'an, Zomar:2-3.
52. Golshani M, Quran va Oloume Tabeei, Edit: Mohammad khajehpeeri, Tehran, Islamic Azad University press. 2000; 50-70 (Persian).
53. Ibid. Roum: 70.
54. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Nomber 230, 1610, 231(Persian).
55. Hakimi m, Hakimi A, Al-hayat, Trans: Ahmad Aram, Qom, Dalile Ma Presson. 2000; V 1: 516(Persian).
56. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution press. 2000; 39 (Persian)
57. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiah press. 1956; V 75: 6 (Arabic).



58. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 139(Persian).
59. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 244-248 (Persian).
60. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref, press. 2005; 140. (Persian).
61. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 296. (Persian).
62. Holy Qur'an, Momenoun: 8.
63. Ibid. Maedeh: 32.
64. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 104. (Persian).
65. Holy Qur'an, Baqara: 159, 174.
66. Ibid. Taha: 114.
67. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiyah press. 1956; V 75: 111 (Arabic).
68. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 54-55 (Persian).
69. Holy Qur'an, Ahzab: 70.
70. Majlesi M B, Behar al-anvar, , Tehran, Dar al-kotob al-islamiyah press. 1956; V 75: 175 (Arabic).
71. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 133-135 (Persian).
72. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 47 (Arabic).
73. Holy Qur'an, Fater: 23.
74. Ibid. Raad: 21; Anbia: 49.
75. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Number: 8544(Persian).
76. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Intesharat Islami press. 2012; V 17: 101 (Persian).
77. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 452(Arabic).
78. Holy Qur'an. Saba: 21; Anbia: 51, 54.
79. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6, 499 (Arabic).
80. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad ali ansari, , Qom, Imam Asr Press. 2006: Hadith Number: 8588(Persian).
81. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, , Tehran, Nour press Institution. no date; v 3:26; v 3:128 (Persian).
82. Sheikh Baha'i, Nan va paneer, (Persian), Available in: <http://www.gangoor.net>.
83. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 94 (Persian).
84. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Number: 305(Persian).
85. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 62 (Persian)
86. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 105.
87. Holy Qur'an. Asra: 82.
88. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press. 2005; Khotbeh: 108(Persian).
89. Holy Qur'an. Baqara: 201; Aaraf: 156.
90. Roodgar M J, Maanavyat dar Quran, Islamic Science Journal, Summary. 2010;4(14) (Persian), available in: <http://www.sid.ir/fa/ViewPaper.asp?ID=113527&varStr=2>.